

هویت و توسعه در ترکیه جدید

نگاهی گذرا به الگوی کشورداری ترکیه در دولت حزب عدالت و توسعه

سیدمرتضی مفیدنژاد

در بدو ورود به شهر استانبول، یکی از صحنه‌هایی که توجه هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کند؛ بیلبردهای بزرگ با عکسی تمام‌رخ از رجب طیب اردوغان نخست‌وزیر ترکیه است که در کنارش این جمله درج شده: «استانبول کنونی را در سال ۲۰۲۳ ببینید!»
این به نوعی اعلام رسمی چشم‌انداز حزب عدالت و توسعه برای پیشرفت و ارتقاء این کشور به سطح یک کشور توسعه یافته می‌باشد. بر همین اساس بایستی پیشینه تاریخی و نظری این شعار را ابتدا در نگاه سردمداران حزب مذکور بررسی نمود که واقعاً سیاستمداران اسلامگرای ترکیه از مفهوم توسعه چه چیز را دنبال می‌کنند و اهداف آن‌ها با هویت مردم چه نسبتی دارد؟ آنچه در ادامه خواهید خواند پاسخی است به این سوال.

نوامبر ۲۰۰۲؛ سرفصل تحولات جدید ترکیه

اوضاع اقتصادی ترکیه بعد از کودتای سفید در سال ۱۹۹۷ و برکناری نجم‌الدین اربکان روز به روز رو به وخامت گذاشت و شرایط به گونه‌ای پیش رفت که کشور در آغاز یک شکست اقتصادی بزرگ قرار گرفت. بدهی به صندوق بین‌المللی پول افزایش و فساد اداری در سیستم اقتصادی دولت به شدت گسترش یافته بود. این روند در ابتدای سال ۲۰۰۲ جدی‌تر شد. جمال فدایی محقق دانشگاه قریق قلعه ترکیه در مقاله‌ای که در همان روزها در یکی از روزنامه‌های پرتیراژ ترکیه منتشر کرده، شرایط اقتصادی کشور را این گونه توصیف می‌کند:
«اختلاف‌های مالی کلان در بخش‌های مالی و پولی کشور نشان از این دارد که دولت منابع و مراکز اقتصادی را در اختیار افراد خاصی قرار داده است که به منافع ملی نیز فکر نمی‌کنند و صرفاً با فریب و ظاهر سازی از لیبرالیسم اقتصادی دفاع می‌کنند. وانگهی امروز دولت که در آستانه ورشکستگی قرار دارد در نتیجه سیاست‌های دوگانه دچار یک رکود تولید شده است و برای رفع مشکلات اساسی به قبول و اجرای کامل دستورات بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول تن در می‌دهد و جالب این‌جاست که انتخاب برخی مدیران اقتصادی نیز با فشار و دستور مراکز فوق‌الذکر انجام می‌گیرد...»

موسم انتخابات پارلمانی ترکیه در نوامبر سال ۲۰۰۲ در شرایطی که دولت اجموت حدود ۲۰۰ میلیارد دلار بدهی خارجی و ۳۷ درصد تورم را در کارنامه خود داشت، فرا رسید. حدود ۱۸ حزب سیاسی مجوز شرکت در این انتخابات را دریافت کردند. عدالت و توسعه که حزبی اسلام‌گرا و جناح نوگرا و لیبرال حزب متحل شده فضیلت محسوب می‌شد، با اولویت دادن به توسعه اقتصادی و کمک به وضعیت بحرانی موجود در آن سال‌های ترکیه نتایج خیره‌کننده‌ای را رقم زد. به گونه‌ای که از نتایج انتخابات آن روزها به عنوان یک زلزله سیاسی یاد شد. حزب عدالت و توسعه موفق شد ۱۱ میلیون رأی از آن‌ها به خود اختصاص دهد و به عنوان اولین حزب سیاسی با کسب بیش از ۳۰ درصد رأی و تصاحب ۳۶۳ کرسی از مجموع ۵۵۰ کرسی مجلس مامور تشکیل کابینه ترکیه شود. در بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ یکی از مهمترین اقدامات حزب، اصلاحات اقتصادی بود. در واقع شعار و محوریت مقوله توسعه اقتصادی بر دیگر محورها از همان ابتدا موجب توجه ویژه رأی‌دهندگان ترک به این مجموعه سیاسی بود.

از آن سو، برخی از عملکردهای اقتصادی دولت اردوغان عبارت بود از:

«جذب سرمایه خارجی از طریق خصوصی‌سازی بنگاه‌های اقتصادی؛ به ویژه در عرصه صنایع مرتبط با نفت و گاز، بانک‌داری و بنادر بزرگ؛ کنترل مؤثر تورم و تک‌رقمی کردن آن (نرخ

تورم در سال ۲۰۰۴ به ۹/۳ درصد کاهش یافت که این رقم طی ۳۰ سال گذشته در تاریخ ترکیه بی‌سابقه بوده است.)؛ کاهش نرخ بیکاری تا ۱۰ درصد؛ افزایش ارزش پول ترکیه (لیر) در مقابل ارزهای خارجی؛ افزایش درآمد سرانه ملی ترکیه به حدود ۷۴۰۰ دلار؛ استمرار رشد تولید ناخالص داخلی به صورت معدل ۶ درصد در سال؛ افزایش صادرات؛ جلب اعتماد بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول جهت اخذ وام‌های کم‌بهره؛ افزایش تعهد و مسئولیت‌پذیری نهادهای دولتی عمومی در برابر شهروندان؛ کاهش محسوس فساد اداری و مالی در بدنه حکومت.»
همچنین اردوغان کمک‌های زیادی به مناطق توسعه نیافته ترکیه و فقر کرد. این اقدام او به افزایش محبوبیت حزب عدالت و توسعه در مناطق کمتر توسعه یافته ترکیه مؤثر بود و باعث شد در انتخابات ۲۰۰۷ نیز بسیاری از مردم کم‌بضاعت به عدالت و توسعه رأی دهند. «سیاست‌های آزادسازی اقتصادی اردوغان باعث شد که بسیاری از مؤسسات و نهادهای مالی لاتیک که دل‌خوشی از سیاست‌های اقتصادی دولت‌محور کمالیست‌ها نداشتند نیز از سیاست‌های اقتصادی اردوغان و حزب او حمایت کنند». بنابراین به نظر می‌رسد حزب عدالت و توسعه در مجموع در ارتقای سطح زندگی مردم و تأمین معاش آن‌ها موفقیت درخور توجهی داشته است.

احمد مرجانی‌نژاد کارشناس ترکیه در سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در توضیح عملکرد عدالت و توسعه در سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ می‌گوید: «پس از انتخابات سال ۲۰۰۲ حزب عدالت و توسعه در دوران اقتدار خود موفق شد اغلب تهدیدها را به فرصت تبدیل کند و عملکردی موفقیت‌آمیز را به نمایش بگذارد [...] در جمهوری ترکیه طبقه سرمایه‌دار و بوروکراسی غیرنظامی بلندپایه (دادگاه عالی، دیوان محاسبات، سازمان آموزش عالی، دادگاه قانون اساسی، شورای عالی قضات و دادستانان) نیز دست‌کم به اندازه‌ای از ارکان مهم محسوب می‌گردند. حزب عدالت و توسعه با درک حقایق تاریخی، کاملاً آگاه بود که اصلاحات و تغییرات در این کشور فقط با قدرت سیاسی امکان‌پذیر نیست. لذا رجب طیب اردوغان و هم‌دستانش بر خلاف دار و دسته اربکان با سرمایه‌داران بزرگ و رسانه‌های وابسته به آن‌ها روابطی بسیار نزدیک برقرار کرد. کمپانی «کوچ» که در سال ۲۰۰۲ حدود ۲۴۴ میلیون دلار سود کسب کرده بود، در دوران اقتدار حزب عدالت و توسعه سودش هشت‌وونیم برابر افزایش یافت و بالغ بر ۲ میلیارد دلار شد. کمپانی «زورلو» که در سال ۲۰۰۲ به ۱۱۰ کشور جهان ۱ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار صادرات داشت، در سال ۲۰۰۶ موفق گردید ۲ میلیارد و ۷۵۰ میلیون دلار صادرات داشته باشد. در سال ۲۰۰۱ درآمد به‌دست‌آمده از فروش کمپانی «سابانچی» حدود ۱۱/۵ میلیارد دلار گردید، در حالی که طی سال ۲۰۰۶ این مبلغ به ۱۶/۹ میلیارد لیره جدید رسید. در سال ۲۰۰۲ کمپانی «دوغان» که سودش را حدود ۱۰۸/۵ میلیون لیره جدید ثبت کرده بود، با آغاز اقتدار حزب عدالت و توسعه با ۲۵۳ درصد افزایش، سود خود را به ۳۸۲/۳ میلیون لیره جدید رساند. گروه دوغان که درآمد ناخالص آن در سال ۲۰۰۳ حدود ۶/۲ میلیارد لیره جدید بود، در سال ۲۰۰۵ به ۹ میلیارد و ۸۴۰ میلیون دلار درآمد ناخالص و ۴۷۴ میلیون دلار سود خالص دست یافت. در دوران حاکمیت حزب عدالت و توسعه کمپانی «اجازی باشی» طی ۴ سال درآمد ناخالص خود را (بر حسب دلار) ۱۰۰ درصد و صادراتش را ۱۲۰ درصد افزایش داد.»

این روند حرکت‌های اصلاح‌طلبانه اقتصادی نیز در سال ۲۰۰۷ یکی از ارکان مهم پیروزی قدرتمندانه حزب عدالت و توسعه محسوب می‌شد و سبب شد تا این بار از داخل پارلمانی که حدود ۲۵۳ کرسی آن در اختیار نمایندگان این حزب بود، یک رئیس‌جمهور اسلام‌گرا به نام «عبدالله گل» بر صندلی تکیه بزنند که چند دهه پیش از آن مصطفی کمال آتاتورک به عنوان مؤسس نظام لائیک ترکیه بر آن تکیه زده بود. از همان سال ۲۰۰۷ که پیروزی دوم عدالت و